

فصلنامه محیط راهبردی

سال چهارم، شماره ۱۰، بهار ۱۳۹۹

مقاله پژوهشی، صفحه ۳۵ تا ۵۲

اتحادیه چهار دریا (فرسیز) و نقش انرژی در همگرایی و ثبات منطقه ای

عبدالرضا فرجی راد، ابوذر میارعباسی^۲

پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۲۶

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۲۶

چکیده

از بعد از جنگ جهانی دوم و سرعت گرفتن روند جهانی شدن، همگرایی های منطقه ای بعنوان راه حلی که می تواند تا حدودی از درگیریها و جنگ ها جلوگیری کند و در توسعه کشورها نقش داشته باشد، مورد توجه قرار گرفت. در این زمینه کشورهای اروپایی به جهت نگرانی از جنگ خانمانسوز دیگر پیشقدم شده و در سال ۱۹۵۲ میلادی چندکشور انگشت شمار اروپای غربی اتحادیه ذغال و فولاد را شکل دادند. این اتحادیه بستری برای برداشتن قدمهای بعدی و بزرگتر فراهم کرد بطوریکه امروزه شاهد شکل گیری اتحادیه ای تحت عنوان اتحادیه اروپایی هستیم که باعث انسجام این کشورها، مخالفت از جنگ و توسعه این کشورها گردیده است. دیگر مناطق دنیا نیز از این الگو پیروی کرده و کم و بیش همین راه را طی کردند و اتحادیه هایی همچون آسه آن در جنوب شرق آسیا، مرکوسور و نفتا در آمریکای لاتین و آمریکای شمالی و سارک در آسیای جنوبی شکل گرفت. باتوجه به بحرانی بودن وضعیت منطقه آسیای جنوب غربی و حوزه پیرامونی ایران تشکیل یک همگرایی می تواند مد نظر قرار گیرد تا با تجربه اندوزی از دیگر اتحادیه ها بویژه اتحادیه اروپایی به صلح و ثبات و توسعه منطقه کمک نماید. این تحقیق به این پرسش پاسخ خواهد داد که یک همگرایی بر پایه انرژی می تواند به اختلافات در منطقه پایان داده و کشورهای آن بجای رقابت و درگیری انرژی خود را صرف همکاری، امنیت مشترک و توسعه بنمایند.

کلیدواژه‌ها: اتحادیه اروپایی، همگرایی منطقه ای، اتحادیه، انرژی، توسعه، امنیت مشترک

۱. دانشیار واحد علوم و تحقیقات تهران - دانشگاه آزاد اسلامی

۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی

۱. مقدمه

در هزاره سوم آهنگ جهانی شدن سریعتر از گذشته در مسیر ادغام سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دنیا در حرکت است و دولت‌ها برای تقویت قدرت چانه زنی سیاسی، رقابت پذیری اقتصادهای ملی و برای در امان نگهداشتن خود از چالش‌هایی که جهانی شدن به آنها تحمیل کرده است، گروه‌بندیها و اتحادیه‌های منطقه‌ای را در دستور کار خود قرار داده‌اند. این نوع از همکاریها از زمانی بیشتر سرعت گرفت که بعد از جنگ جهانی دوم کشورهای اروپایی نگران بودند جنگ سومی در این قاره رخ دهد و مجدداً اروپا ویران و میلیونها انسان جان خود را در جنگ آتی از دست بدهند. لذا بدنبال پیوندی بودند که بتواند منافع مشترکی بین آنها پدید آورد تا بتوانند از درگیری بعدی جلوگیری کنند. با وجود اینکه همکاری بین کشورها از دیرباز در جهان وجود داشته است ولی سابقه همکاریهای سازمان یافته در قالب سازمان‌های بین‌المللی به قرن نوزدهم و تشکیل کنگره وین در سال ۱۸۱۴ باز می‌گردد. (Russet, ۱۹۹۸, ۴۴۲). در قرن بیستم علاوه بر عامل اصلی فوق‌الذکر، عوامل دیگری همچون پیشرفت علوم و فنون، توسعه ارتباطات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی علاقمندی بیشتری در جهت کار مشترک بین کشورها بوجود آمد. پیشرفت‌های اروپا و آمریکا بویژه بعد از جنگ جهانی بتدریج به قاره‌ای دیگر نیز سرایت کرد. قرض گرفتن کشورهای فقیر از کشورهای غنی منسوخ شده و بجای آن سرمایه‌ها به حرکت درآمد و با وضع قوانین جدیدی، سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر همراه با انتقال تکنولوژی رونق گرفت. کشورهای جهان سومی که توانستند برنامه‌ریزی بهتری داشته باشند از این وضعیت استفاده کرده و رشد و توسعه سریعی را پذیرا گشتند. معمولاً کشورهای پیش‌رو الگویی برای کشورهای پیرامون خود گشت و دیگران نیز تشویق به پیروی و تقلید از کشور پیش‌رو گردیدند. همین امر زمینه همگرایی در مناطق مختلف جهان از آمریکای لاتین تا آسیای جنوبی را فراهم نمود. منطقه آسیای جنوب غربی از معدود مناطقی در جهان بود که علاقه‌ای به این روند نشان نداد. بهمین جهت عدم وجود منافع مشترک باعث گردیده که تضادها و درگیریها در این منطقه بیش از بقیه نقاط جهان باشد. لذا توجه به این امر و بستر سازی برای یک همگرایی در این منطقه باتوجه به وضعیت جغرافیایی آن می‌تواند از میزان تنش‌ها به نحو چشمگیری بکاهد. باتوجه به آغاز همگرایی در اروپا با اتحادیه ذغال و فولاد که در آن دوره یعنی بعد از جنگ جهانی دوم این دو کالا اهمیت فراوانی داشتند، کشورهای حوزه پیرامونی ایران را با یک شبیه‌سازی می‌توان بر

اساس مورد انرژی (نفت و گاز) دور هم جمع نمود زیرا که این دو کالا در این دوره دارای اهمیت استراتژیک هستند. در این پژوهش سعی بر این است که مدلی از همگرایی در منطقه پیرامونی براساس واقعتهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی ارائه کرد. (فرجی راد ۱۳۸۷)

پرسش های تحقیق

باتوجه به مطالب مورد اشاره فوق در رابطه با این تحقیق چند پرسش را می توان مطرح نمود:

۱. همگرایی های منطقه ای شکل گرفته در جهان توانسته است کارایی خود جهت ایجاد صلح، ثبات و پیشرفت منطقه به اثبات برساند.

۲. کسب تجربه از دیگران و شکل دادن یک همگرایی منطقه ای می تواند به صلح و ثبات پیرامون ما کمک نماید.

۳. انرژی که یک فاکتور مهم در دنیای امروز است و به وفور در این منطقه یافت می شود، می تواند مبنایی برای کار مشترک بین کشورهای منطقه باشد.

قلمرو تحقیق

این تحقیق به لحاظ قلمرو مکانی در برگیرنده کشورهای است که در میان چهار دریا واقع شده در این منطقه یعنی دریای سیاه، مدیترانه، خزر و خلیج فارس قرار گرفته اند. کشورهای که بطور مستقیم یا غیرمستقیم با این دریاها در ارتباط هستند. این کشورها به سه حلقه اول، دوم و سوم تقسیم می شوند که طی دوره های زمانی خاص که مورد بحث قرار خواهد گرفت، به ترتیب به این همگرایی یا اتحادیه می پیوندند. ایران، ترکیه و عراق در حلقه اول، آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، ترکمنستان، تاجیکستان، قزاقستان، ازبکستان، عمان، سوریه و لبنان در حلقه دوم و پاکستان و افغانستان در حلقه سوم قرار دارند.

نام این همگرایی مورد نظر در این تحقیق چهار دریا یا فرسیز (Four Seas) پیشنهاد می

گردد. (فرجی راد، ۱۳۸۷)

مبانی نظری همگرایی

۱. رویکرد نظری به مفهوم همگرایی

واژه همگرایی در مقابل واگرایی قرار می‌گیرد. همگرایی فرایندی است که دولتها یا واحدهای سیاسی مجزا از هم، داوطلبانه از بخشی از اقتدار خود و اعمال آن جهت دستیابی به اهداف مشترکشان صرف نظر کرده و از یک قدرت برتر تبعیت می‌کند. نظریه پردازان مختلف همگرایی منطقه‌ای، همگرایی را به مثابه یک وضعیت خاص سیاسی یا فرایندی برای انتقال وفاداری‌ها به سطحی بالاتر از سطح ملی تعریف می‌کنند (وثوقی، کمایی زاده، ۱۳۸۹)

ارنست هاس، همگرایی را فرایندی می‌داند که طی آن بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزا ترغیب می‌شوند تا وفاداری و فعالیت‌های سیاسی و انتظارات خود را به سوی مرکز جدید معطوف سازند.

ارنست هاس بعنوان پایه گذار نظریه همگرایی می‌گوید: پروسه‌ای که بوسیله آن رهبران چند کشور مختلف متقاعد و راغب می‌شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی شان را بسمت مرکز جدیدی که نهادهایش اختیارات قانونی داشته یا متقاضی اختیارات قانونی و رای اختیارات ملت و کشورها باشد، سوق می‌دهد.

کشورها برای تامین امنیت و سعادت و خوشبختی خود ناگزیر از همکاری با یکدیگرند و این همکاری جایگزین امپراتوریهای گذشته می‌شود. از این رو تامین تمام یا بخش عمده‌ای از اهداف مزبور در سطح منطقه‌ای، مستلزم ایجاد سازمان منطقه‌ای است تا همکاری بین عناصر منطقه‌ای را تقویت کند. (حافظ نیا و کاویانی ۱۳۸۳، ۶۱). در ادبیات سیاسی، منطقه‌گرایی با مفهوم گرایی مترادف شده است. همگرایی به معنی ترکیب و ادغام اجزاء در یک کل یا یکسان‌سازی سیاست‌های اقتصادی و سیاسی است. همگرایی هم در سطح یک کشور معنی می‌دهد و هم در یک منطقه بین تعدادی از کشورها. در داخل کشور، به معنی ادغام بخش‌های مختلف کشور است و در منطقه به معنی ادغام سیاست‌های تجاری، اقتصادی و سیاسی کشورهای آن منطقه. در دنیای واقع، همگرایی یک روند یا طیف است که حدپائین آن به مفهوم ادغام اقتصادی و حد بالای آن به مفهوم اتحاد سیاسی و در پیش گرفتن سیاست خارجی و امنیت مشترک است. (امیدی ۱۳۸۸، ۲۴)

انواع شاخص های همگرایی:

سه نوع همگرایی معمولاً مطرح است. همگرایی اقتصادی، همگرایی اجتماعی و فرهنگی و بالاخره همگرایی سیاست گذاری و نهادی. در این میان همگرایی سیاست گذاری و نهادی از درجه اهمیت و بالاتری برخوردار است. معمولاً همگرایی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مناطقی که سطوح بالاتری از تاثیرگذاری و حساسیت وجود دارد می تواند به شکل گیری روند سیاسی و نیز نهادهای مشترک سیاست گذاری منجر شود. همانگونه که در اروپا بتدریج و علیرغم وجود منازعات مختلف، نهاد اتحادیه اروپا شکل گرفت. (کولایی، ۱۳۷۹)

در رابطه با شاخص های همگرایی عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بعنوان موانع می توانند نقش داشته باشند. بعضی از این عوامل درون منطقه ای و بعضی دیگر فرا منطقه ای هستند. از جمله موانع سیاسی می توان به تفاوت در ساختار سیاسی کشورهای منطقه که سطح نابرابر قدرت کشورهای منطقه، ناسیونالیسم و بی ثباتی سیار کشورها در منطقه اشاره نمود.

از موانع اقتصادی، عدم تشابه اقتصاد سیاسی کشورها، ضعف زیر ساختهای ارتباطی و مکمل نبودن اقتصاد کشورهای منطقه قابل ذکرند و در مورد موانع اجتماعی و فرهنگی می توان به تفاوتهای مذهبی، قومی و زبانی و شبکه های ارتباطی ضعیف اشاره نمود.

در مورد عوامل فرامنطقه ای می توان به نفوذ قدرتهای بزرگتر و ابرقدرتها و نقش بازیگران خارجی اشاره نمود.

۲. دیدگاه نظریه های روابط بین الملل به موضوع همگرایی:

تلاش های نظری بسیاری برای توضیح منظم و قانونمند همگرایی و همکاری در روابط بین الملل صورت گرفته اما هیچ نظریه عمومی واحدی در زمینه همکاری بین المللی وجود ندارد که مورد پذیرش همه اندیشمندان و سیاست گذاران باشد. یکی از نظریات نظریه لیبرالیسم است که بر این باور است به سه علت کشورها به سمت همکاری بیشتر می روند.

نخست روند وابستگی متقابل میان کشورها بویژه در عرصه اقتصادی و تجاری است که موجب شده کشورها به سبب همکاری با یکدیگر فایده بیشتری می برند و همزمان دریابند که هزینه منازعه افزایش یافته است. بطور مثال در شکل گیری اتحادیه اروپا این عامل نقش مهمی داشت و به رغم اختلافات مرزی و غیر مرزی کشورهای اروپایی، کشورهای این قاره سعی کردند

از مسائلی که در گذشته چشم پوشی برایشان غیرممکن مینمود بخاطر منافع اقتصادی، توسعه و امنیت صرف نظر کنند. (فرجی راد، ۱۳۸۷)

دوم اینکه وابستگی متقابل اقتصادی فزاینده موجب ظهور و ایجاد یک سلسله هنجارها، قواعد و نهادهای بین الملل می شود که برای ایجاد تسهیل و همکاری میان کشورها بوجود می آید. سوم اینکه جریان روبه رشد دموکراتیک بین المللی که طی آن حکومت ها بیشتر دموکراتیک می شوند، موجب کاهش منازعه و افزایش همکاری می شود.

بطور کلی در یک تقسیم بندی کلان نظریه های روابط بین الملل به سه دسته نظریه های "جهان گرا"، "ملی گرا" و "کثرت گرا" تقسیم می شوند. در نظریه های جهان گرا، ساختار و پویای جهانی عنصر تعیین کننده در تحولات نظام بین الملل می دانند. در نظریه های ملی گرا بیشتر بر نقش محوری کشورها بعنوان عناصر اصلی نظام بین المللی تاکید می شود و به تعبیری برای ساختار بین المللی نقش ثانویه قائل هستند که بدون دولتها و کشورها و رفتار و انگیزه های آنها معنا و مفهوم واقعی نخواهند داشت. نظریه های کثرت گرا بر تعامل دوجانبه و نقش دو سویه ساختار و پویای بین المللی و کشورها در تحولات جهانی تاکید می کنند که نظریه همگرایی منطقه ای در این دسته قرار می گیرد. (کریمی، ۱۳۸۹) کثرت گرایان معتقدند با پیدایش شرکتهای بین المللی و مشاهده نقش روزافزون آنها در همکاریهای منطقه ای، گرایش عمده فکری جدیدی به تحولات بین المللی شکل گرفت. این گرایش دیواره های حاکمیت ملی را داوطلبانه به سوی صحنه خارجی باز می کند و جلوه حاکمیت در صحنه خارجی از گرایش خود محور و گریز از مرکز قبلی به وضعیتی جدید که حاکی از همکاری است تبدیل می شود. ضمن اینکه هویت واحدهای سیاسی را برخلاف نظام امپراطوری سنتی منکوب نمی کند.

بطور کلی نظریه های همگرایی به توسعه نگرش کثرت گرایانه از روابط بین الملل کمک بسیار نموده است. آثار این دیدگاهها اهمیت دولت - ملتها را بعنوان تنها بازیگران در نظام بین الملل را کاهش داده و مسائل اقتصادی، اجتماعی و فنی مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. (کولایی ۱۳۷۴)

عوامل و زمینه های شکل گیری نظام های همگرا:

در باره انگیزه ها و عوامل موثر بر شکل گیری فرآیند همگرایی و نایل آمده به یکپارچگی، نظریه های مختلفی ابراز شده است که به بعضی از آنها اشاره گردید ولی شکل گیری فرآیند

همگرایی و پدیدار شدن یک تشکل منطقه ای مستلزم وجود زمینه ها و عوامل مختلفی است که اهم آنها عبارتند از:

- ویژگیها و ارزش های مشترک جغرافیایی، تاریخی، تمدنی، فرهنگی، زبانی، دینی، قومی، آداب و رسوم مشترک و نظایر آن که به ایجاد تجانس ساختاری می انجامد. مانند اتحادیه عرب.
- تهدیدات مشترک اعم از امنیتی، نظامی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نظیر پیمان ناتو که برپایه احساس تهدید مشترک از سوی شوروی سابق تشکیل شد.
- کارکردها و علایق و منافع مشترک که به همسانی عملکرد و منافع مشترک می انجامد. نظیر اوپک برای تولید کنندگان نفت و گروه ۸ برای دول صنعتی.
- نیازهای متقابل و وابستگی دو یا چند جانبه که نوعی هم تکمیلی در حوزه های کارکردی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی و غیره را مبتنی بر مزیت های هر یک از اعضا منعکس می نماید. مانند سازمانهای منطقه ای همچون اتحادیه اروپا، آسه آن و مرکوسور.
- قدرت مسلط و نیروهای سیاسی و ژئوپلیتیک برتر که نقش تاسیس و رهبری همگرایی را بعهده می گیرند. مانند کشورهای استعمارگر، قدرتهای جهانی و منطقه ای و کشورهای مشترک المنافع انگلیس و فرانکوفن. (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۵۷)

نمونه هایی از همکاری های منطقه ای:

همکاریهای منطقه ای متعددی در سطح جهان بوجود آمده اما آن نوع از همکاریهای منطقه ای که مدنظر ماست و تاکنون موفق بوده است بیشتر در همگرایی های مورد اشاره ذیل می توان مشاهده نمود.

۱. اتحادیه جنوب شرقی آسیا (آسه آن) که به اختصار آسه آن خوانده می شود. در سال ۱۹۶۷ در بانکوک با عضویت ۵ کشور اندونزی، مالزی، سنگاپور، فیلیپین و

تایلند تشکیل شد. بعداً کشورهای بروئی، ویتنام، لاگوس، کامبوج و میانمار نیز به این سازمان پیوستند. آسه آن که جانشین اتحادیه نظامی سابق کشورهای آسیای جنوب شرقی (سیتو) شده، بیشتر به منظور سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی، ایجاد ثبات سیاسی در منطقه، پائین آوردن تعرفه های تجاری و تشویق اعضا به مبادله اطلاعات علمی، اقتصادی، فنی و فرهنگی تاسیس یافت. کشورهای عضو آسه آن در سال ۱۹۸۹ با شش کشور آمریکا، کانادا، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و زلاند نو در کنار خود شورای همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوس آرام (آپک) را بوجود آوردند. آسه آن تاکنون موفق بوده و بسترسیاسی و ثبات و آرامش لازم برای انجام فعالیت های اقتصادی را در کشورهای عضو فراهم نمود که در سایه ثبات و امنیت بدست آمده هریک از این کشورها به تنهایی توانسته است رشد اقتصادی بالایی را بدست آورد. (امیدی ۱۳۸۸)

معاهده تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)!

قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی یک سازمان منطقه ای است که در سال ۱۹۹۱ پایه ریزی شد. معاهده نفتا که عمده فعالیتش از سال ۱۹۹۴ آغاز گردید کشورهای کانادا، مکزیک و ایالات متحده آمریکا را شامل می شود. این معاهده مشتمل بر دو بخش زیر مجموعه بنام های معاهده همکاریهای زیست محیطی آمریکای شمالی و معاهده همکاری کاری آمریکای شمالی می باشد.

براساس معاهده نفتا اغلب تعرفه های گمرکی میان کشورهای عضو لغو گردیده است. در راستای این معاهده همچنین محدودیت بر واردات و صادرات انواع دستگاههای موتوری، کامپیوتری و انواع منسوجات میان سه کشور عضو لغو گردید. این معاهده از حقوق مالکیت معنوی حمایت می کند و مقرر شده است محدودیت سرمایه گذاری در سه کشور عضو نفتا لغو شود. تمام اعضای نفتا ملزم به رعایت مفاد این معاهده بطور یکسان هستند. اعضای نفتا موافقت کرده اند که کاهش تعرفه های محصولات کشاورزی به مرور زمان انجام پذیرد.

بازار مشترک جنوب آمریکا (مرکوسور)!

مرکوسور هم یک معاهده تجارت منطقه ای است که در سال ۱۹۹۱ میان کشورهای برزیل، آرژانتین پاراگوئه و اروگوئه پایه گذاری شد. سپس ونزوئلا نیز به این جمع پیوست. بیش از ۲۵۰ میلیون نفر از مردم آمریکای جنوبی در کشورهای عضو مرکوسور زندگی می کنند و سه چهارم فعالیت های اقتصادی قاره در بلوک مرکوسور صورت می گیرد. برزیل و آرژانتین غول های اقتصادی مرکوسور بشمار می روند و بقیه اعضا همراه هستند. عضویت ونزوئلا بعنوان یک تولید کننده بزرگ نفت و گاز قدرت اقتصادی مرکوسور را به شدت افزایش می دهد.

هدف از تاسیس این نهاد دستیابی به یکپارچگی اقتصادی میان کشورهای امضاء کننده پیمان از طریق ایجاد جریان آزاد کالا و خدمات در میان اعضا، تعیین تعرفه مشترک خارجی، پذیرش سیاستهای مشترک بازرگانی و هماهنگی سیاست های اقتصادی کلان و منطقه ای و نیز ترویج و تشویق تجارت میان اعضا با آرمان تشکیل دادن یک بازار مشترک اقتصادی گسترده و فراگیر در قاره آمریکای جنوبی بوده است. هدف نهایی مرکوسور در بلند مدت بوجود آوردن یک منطقه تجارت آزاد به وسعت سراسر قاره است. تاسیس بانک توسعه و پارلمان مرکوسور در دستور کار اعضا قرار دارد.

مرکوسور با کسب تجربیات اتحادیه اروپایی نهادها و کمیسیون های گوناگونی همچون شورای بازار مشترک، گروه بازار مشترک، کمیسیون بازرگانی، کمیسیون مشترک پارلمانی، نهاد مشورتی اقتصادی و اجتماعی و دبیرخانه اداری را بوجود آورده است. مرکوسور و اتحادیه اروپا توافق نامه هایی را برای همکاریهای بازرگانی و اقتصادی به امضاء رسانیده اند که تاکنون این همکاریها گسترش یافته است. در حال حاضر، مرکوسور به یکی از طرفهای اصلی تجاری اتحادیه اروپا تبدیل شده است. (مرکوسور، ۱۳۹۳)

اتحادیه همکاریهای منطقه ای جنوب آسیا (سارک)!

علاوه بر اسه آن در جنوب شرق آسیا که بدان اشاره گردید، در جنوب آسیا نیز از شکل گیری یک ترتیبات منطقه استقبال گردید. به پیشنهاد رئیس جمهور وقت بنگلادش در سال ۱۹۸۰،

سرانجام سارک در ۱۹۸۳ بین کشورهای هند، پاکستان، سریلانکا، بوتان، مالدیو و نپال بوجود آمد. در سال ۲۰۰۷ افغانستان نیز به عضویت کامل سارک درآمد. حدود ۲ میلیارد نفر از جمعیت جهان در حوزه سارک زندگی می کنند. (فرجی راد ۱۳۹۳) اساساً فلسفه ایجاد سارک بیشتر اقتصادی بوده و اهداف سیاسی در اولویت های بعدی سازمان قرار دارند. شاید یکی از دلایل آن اختلافات شدید هند و پاکستان یعنی دو قدرت اصلی سارک است که ترجیح داده اند بیشتر مبنای کار را بر اقتصاد تنظیم نمایند. اعضاء موافقت کرده اند که در پنج زمینه کشاورزی و توسعه روستایی، ارتباطات، علم، تکنولوژی و هواشناسی، بهداشت و فعالیتهای مردمی، حمل و نقل و افزایش شاخص نیروی انسانی همکاری داشته باشند. (موسی زاده، ۱۳۸۸: ۳۲۷) ساختار سازمانی سارک را اجلاس سران، شورای وزیران، کمیته دائمی، دبیرخانه، مراکز منطقه ای، کمیته های فنی، گروههای کاری و جلسه تخصصی وزیران تشکیل می دهد. (امیدی، ۱۳۸۸)

اتحادیه اروپا!

اتحادیه اروپا متشکل از ۲۸ کشور در قاره اروپاست که با نام اختصاری EU خوانده می شود. پس از جنگ جهانی دوم چند کشور اروپایی شامل بلژیک، فرانسه، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند و آلمان غربی بر آن شدند که برای پیشگیری از بروز جنگ جدید با همدیگر همکاری کنند. از این رو در سال ۱۹۵۲ بازار مشترک اروپایی "ذغال و فولاد" را تشکیل دادند که این نخستین گام در پیدایش اتحادیه اروپا بود.

قبل از تغییر نام به اتحادیه اروپا، جامعه اقتصادی اروپا شکل گرفت. در سال ۱۹۹۳ پیمان ماستریخت چارچوب کنونی قوانین اتحادیه اروپا را تعیین کرد که متعاقب آن در سال ۲۰۰۷ پیمان لیسبون آینده جدیدی را برای اتحادیه ترسیم کرد. براساس قوانین اتحادیه اروپا آزاد سفر برای مردم، کالاها و خدمات در کشورهای عضو تضمین شده است. ایست بازرسی های کنترل پاسپورت از میان بسیاری از کشورهای عضو براساس معاهده ویزای شنگن برچیده شد. این اتحادیه حدود ۵۰۰ میلیون نفر از جمعیت دنیا را در خود جای داده است. کشورهای عضو هر سال به اتحادیه اروپا حق عضویت می پردازند و در عوض هم آنها سالانه از بودجه اتحادیه اروپا پول

دریافت می کنند از جمله بصورت یارانه کشاورزی یا کمک به پیشرفت منطقه ای یا کمک هزینه برای پیشبرد پژوهش، آموزش و یا فرهنگ.

در اتحادیه اروپا پنج رکن وجود دارد که در آنها کشورهای عضو با هم همکاری می کنند و تصمیمات مشترک می گیرند. یکی پارلمان اروپا که نماینده مردم کشورهای عضو است. شورای وزیران اتحادیه اروپا که نماینده کشورهای عضو است. کمیسیون اتحادیه اروپا که وظیفه اش اتخاذ تدابیری است که فعالیت اتحادیه به سود همه اعضاء باشد. دیوان دادگستری که قوانین را تفسیر و اجرا می کند. دیوان بازرسی اروپا که وظیفه اش نظارت بر بودجه اتحادیه است.

بالاترین مرجع سیاسی اتحادیه اروپا شورای سران اتحادیه است که در آن روسای دولتهای عضو در اجلاس هایی مشترک شرکت می کنند. در حال حاضر کشورهای عضو به نوبت ریاست اتحادیه را بعهده می گیرند که هر نوبت شش ماه بطول می انجامد.

اتحادیه اروپا بعنوان موفق ترین الگوی همگرایی منطقه ای توانسته است در سطح اروپا و جهان تحولات بزرگی را سبب شود و در واقع دیگر همگرایی های بوجود آمده ناشی از الگو برداری از این اتحادیه است.

طرح پیشنهادی اتحادیه چهار دریا یا فرسیز!

این اتحادیه در واقع یک طرح فرضی است که با الگو برداری از اقدامات موفق اتحادیه اروپایی در جهت ایجاد صلح، ثبات، امنیت و توسعه در اروپا برای حوزه پیرامونی ایران و با تجربیات نگارنده این مقاله برگرفته از کار علمی و عملی در دو حوزه فوق الذکر و باتوجه به استفاده از امکانات بومی تنظیم شده است.

قبل و بعد از جنگ جهانی دوم یک فضای بی اعتمادی در بین کشورهای اروپایی ایجاد شده بود. تاسیس اتحادیه یا بازار مشترک ذغال و فولاد در سال ۱۹۵۲ که در آن دوره این دو کالا از اهمیت استراتژیک برخوردار بودند مبنایی برای صلح، امنیت و توسعه در این قاره گردید و بعد از حدود ۶۳ سال اعتماد ناشی از یک همگرایی و همکاری این صلح و ثبات ادامه یافته و بنظر می رسد در آینده نیز ادامه خواهد یافت. اختلافات، بی اعتمادیها و درگیریهای قبل از آغاز این همکاری از تفاوتها و درگیریهای موجود در حوزه پیرامونی ایران کمتر نبوده است ولی بنیانگذاران

و کشورهای این قاره توانستند با اراده بر این موقعیت دست یافته و حتی الگویی را به مناطق دیگر جهان ارائه نمایند. متأسفانه در منطقه تا کنون در این جهت اقدام موثری صورت نگرفته و روز به روز بر میزان تنش ها، اختلافات و درگیریها افزوده می شود. انرژی یعنی نفت و گاز بعنوان یک کالای استراتژیک در این منطقه هم برای کشورهای این حوزه و هم برای جهانیان بسیار با اهمیت است و توجهات ویژه ای را به منطقه جلب نموده است. لذا طراحی یک همگرایی براساس انرژی و گسترش آن به زمینه های دیگر که بتواند کشورهای منطقه از منافع مشترکی برخوردار شدند می تواند بتدریج به ثبات، امنیت و توسعه ختم گردد. در این طرح کشورهای مد نظر قرار گرفته اند که در میان چهار دریای سیاه، مدیترانه، خزر و خلیج فارس واقع شده اند. البته کشورها در سه حلقه وارد این همگرایی خواهند شد که سه کشور حلقه اول یعنی ترکیه، ایران و عراق بعنوان بنیان گذار این همگرایی و جهت اعتمادسازی برای ادامه راه نقش اساسی را بعهده دارند. در صورتی که در سالهای اولیه شکل گیری حلقه اول بتواند نقش خود را به خوبی ایفا کند همچنانکه این اتفاق در سال ۱۹۵۲ در اروپا رخ داد، بستری مناسب و محکمی خواهد بود برای ادامه راه که حلقه های دوم و سوم نیز در سالهای آتی شکل گیرد.

کشورهای حلقه اول :

کشورهای حلقه اول از نظر انرژی در منطقه اهمیت ویژه ای دارند. ایران و عراق دو تولید کننده و صادر کننده مهم انرژی بحساب می آیند و ترکیه نیز بعنوان کشوری که از نظر انتقال انرژی آسیای مرکزی، قفقاز، روسیه، ایران و خلیج فارس دارای اهمیت است و این اهمیت در آینده نیز بیشتر خواهد شد مورد توجه می باشد.

کشورهای حلقه اول وظیفه سنگینی از نظر ایجاد ساختار اداری و نهاد سازی بعهده دارند و باید همچون اتحادیه اروپایی فصولی را تدوین کنند که کشورهای حلقه های بعدی متقاضی عضویت با رعایت آنها و استاندارد نمودن زیر ساختها و امکانات داخلی شان به شرایط عضویت نزدیک شوند. هرچه این حلقه وظایف خود را بهتر انجام دهد عضویت کشورهای حلقه دوم با سهولت و علاقه بیشتری صورت خواهد گرفت. فصولی که از بخش کشاورزی گرفته تا حمل و نقل، امنیت، هوایمایی، فضای مجازی، کمک به حفظ یکپارچگی ارضی، محیط زیست، آب، گردشگری، فرهنگ و امور آموزشی و دانشگاهی، سرمایه گذاری، تعرفه، سهولت در روادید و لغو آن، انرژی و غیره را شامل می شود.

علت انتخاب این سه کشور آن است که با یکدیگر مشکل مرزی جدی ندارند و مسائل امنیتی مشترک دارند. علاوه بر آن کشورهای ثروتمندی هستند که کمک به یکدیگر متقابل خواهد بود و منافع جمعی دارند. یعنی اینکه هرکدام از آنها می توانند به اقتصاد دیگری کمک نمایند. تفاوت‌های آنها زیاد نیست بطوریکه اگر در کوتاه مدت مرزهایشان به روی دیگر باز شود کشور دیگر سیلی از مهاجران را نخواهد دید. همچنانکه امروزه رفت و آمد بین ایران و ترکیه بدون اخذ ویزا امکان پذیر است و ورودیها اکثراً گردشگر می باشند. بجز مسائل زودگذر سیاسی، امنیتی مثل سوریه و داعش که بعضاً در روابط آنها فراز و نشیب ایجاد می کند ولی بطور کلی مشکل اساسی بین آنها وجود ندارد ضمن اینکه حتی در شرایط فعلی هر سه کشور بین خود سطح بالایی از روابط تجاری - اقتصادی را تجربه می کنند. (فرجی راد ۱۳۸۴)

در این حلقه ایران با برخورداری از ظرفیت های گسترده در حوزه های مختلف، توانایی برقراری اتصالات زیر بنایی و بلند مدت با همسایگان را دارد. این ظرفیتها بویژه در حوزه هایی همچون انرژی، ترانزیت، آب و گردشگری قابل مشاهده است. در حوزه انرژی با داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز در جهان و با داشتن تجربه طولانی در حوزه انرژی و موقعیت جغرافیایی مناسب در خلیج فارس و دریای خزر و همسایگی با آسیای مرکزی، از امکان ایجاد پیوند میان منابع انرژی خود از جنوب، شرق و شمال شرقی به وسیله خطوط لوله به مصرف کنندگان آسیایی برخوردار است. (واعظی ۱۳۸۶، ۲۵۲) هرچه روابط ایران با همسایگان خود نهادینه تر شده و همگرایی و وابستگی متقابل اقتصادی میان آنها افزایش یابد از یک سو ثبات در محیط امنیتی ایران نهادینه تر می شود و از سوی دیگر منافع بین المللی گسترده تری برای پیشبرد توسعه فراهم خواهد آمد.

ترکیه نیز کشوری است آسیایی - اروپایی که وضعیت شبه جزیره ای آن این امکان را برایش فراهم ساخته که به دریای سیاه، اژه و مدیترانه مستقیماً ارتباط پیدا کند. هریک از این آنها به نحوی برای ترکیه پیامدهای سیاسی و امنیتی به دنبال داشته و ترکیه به بهترین نحوی از این پیامدها در جهت نیل به اهداف ملی استفاده نموده است. شبکه ابهای داخلی این کشور علاوه بر آنکه در پیشبرد اهداف اقتصادی آن نقش بسیار داشته اند، بر اهمیت هیدروپلیتیکی این کشور افزوده است. همسایگی با اروپا برای کشورهای عضو چهار دریا می تواند از نقطه نظر ترانزیتی و کسب تکنولوژی با اهمیت تلقی شود. علاوه بر آن بخاطر موقعیت جغرافیایی ممتاز انتقال دهنده انرژی حوزه های پیرامونی خود است. (فرجی راد ۱۳۹۰)

کشور عراق هم کشوری است که از نقطه نظر تمدنی بسیار با اهمیت است و باتوجه به شرایط سیاسی این کشور و بویژه در شمال مسائل این کشور برای دو کشور دیگر حلقه از نظر امنیتی حساسیت برانگیز است. منافع عظیم نفتی در جنوب و منابع عظیم نفتی و گازی در شمال این کشور توجه جهانیان را بخود جلب نموده است. گردشگر پذیری مذهبی این کشور نیز برای جهان اسلام و بویژه شیعیان عراق را بعنوان کشوری مهم در منطقه مطرح می کند ضمن اینکه متصل کننده ایران و دیگر کشورهای شرقی خود به منطقه شام است.

کشورهای حلقه دوم:

بعد از یک کارکرد مثبت میان اعضای حلقه اول و شکل دادن نهادها و ساختارهای اداری و همچنین تدوین فصول مربوطه جهت احراز شرایط عضویت اعضای جدید که در حلقه های بعدی قرار می گیرند طبیعی است همچون روند عضویت در اتحادیه اروپا کشورهای منطقه مهم علاقمندی خود را به عضویت در همگرایی چهار دریا نشان خواهند داد. زیرا منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی بسیاری برای آنها خواهد داشت. این نوع کشورها که حلقه دوم را تشکیل می دهند باید وضعیت کشور خود را با فصولی که بنیانگذاران و یا اعضای حلقه اول کشورها برای عضویت تدوین کرده اند تطبیق دهند. خوشبختانه اعضای حلقه دوم وجود مشترک زیادی با کشورهای بنیانگذار دارند و از سطح اقتصادی نسبتاً همسانی با آنها برخوردارند. این کشورها که شامل قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و عمان می شوند هیچکدام نه تنها مشکل جدی در روابط شان وجود ندارد بلکه بجز اختلاف ارمنستان و آذربایجان همه از یک رابطه معقول برخوردارند. براساس یکی از فصول تدوینی که ارائه خواهد گردید دو کشور آذربایجان و ارمنستان در صورت تقاضای عضویت بایستی مقررات فصل امنیتی را رعایت کرده و متعهد شوند که اختلافات خود را از طریق گفتگو و مذاکره و با کمک کشورهای عضو همگرایی حل و فصل کرده و در توسعه روابط خود بکوشند. ممکن است در اینجا این سؤال مطرح گردد که چرا از عمان بعنوان عضوی از شورای همکاری خلیج فارس ممکن است بعنوان عضوی از این همگرایی در آید بایستی اظهار نمود که کشور عمان از نظر ویژگیهای فرهنگی مردم و نیز سیاست خارجی دولت با ۵ کشور دیگر شورا متفاوت است و بالاجبار باتوجه به تعهدات داده شده قبلی مجبور است بعضی از این سیاستها را دنبال کند بطوریکه این کشور در بسیاری از سیاست های سه دهه گذشته شورا و پس از شکل گیری آن

همراه نبوده و برای جلوگیری از اتهام ایجاد شکنندگی در شورا و عدم وجود یک همگرایی دیگر و استوار منطقه ای با دیگر اعضا بعضاً خود را هماهنگ نموده است. عضویت عمان در اتحادیه چهار دریا بستگی به این دارد که چقدر اعضای اصلی حلقه اول می توانند برای عضویت اعضای دیگر اعتماد سازی نمایند.

در میان اعضای حلقه دوم کشورهایی وجود دارند که اکثراً یا تولید کننده انرژی و یا منتقل کننده آن می باشد که اهمیت ژئوپلیتیکی این اتحادیه را افزایش می دهد.

کشورهای حلقه سوم :

کشورهای حلقه سوم را کشورهایی می توانند تشکیل دهند که بایستی برای بدست آوردن شرایط عضویت خود را در چارچوب فصول تدوین شده آماده سازند. ممکن است این آمادگی چند سالی طول بکشد بطوریکه وقتی مرزهای بین این کشورها با دیگر کشورها عضو از حلقه اول و دوم باز گردید موج مهاجران به این کشورها سرازیر نشود. زیرا یکی از اهداف اصلی این اتحادیه این است که کشورها بتوانند بتدریج مرزهای خود را بسوی یکدیگر بگشایند تا رفت و آمد گردشگران، تجار، سرمایه گذاران و غیره تسهیل گردد. ضمن اینکه وجود ثبات و امنیت در این کشورها بایستی ایجاد گردد. در این حلقه کشورهایی همچون پاکستان و افغانستان و حتی لبنان و سوریه نیز می توانند قرار گیرند.

نتیجه گیری

همانطوریکه قبلاً اشاره گردید امروز همگرایی های منطقه ای باعث امنیت و توسعه در بسیاری از مناطق جهان شده و این نوع از همگرایی ها کشورهای یک منطقه را با امنیت بیشتری بسوی ایجاد پیوند با دیگر نقاط جهان در تعامل قرار می دهد. ضمن اینکه یک همگرایی با وزن ژئوپلیتیکی بیشتر در مقایسه با یک کشور می تواند بهتر و بیشتر از منافع کشورهای منطقه در مقابل مناطق دیگر دنیا دفاع کنند. همچنانکه کشورهای آمریکای لاتین در قالب مرکوسور و کشورهای جنوب خلیج فارس در قالب شورای همکاری مذاکرات خود را با اتحادیه اروپا بطور مرتب برگزار می کنند. بنا براین در این وضعیت منافع دو طرف با دقت بیشتری لحاظ می گردد.

یکی از دلایل بی ثباتی، فقر و عدم امنیت در منطقه و در حوزه پیرامون کشورمان عدم وجود یک همگرایی در چارچوب علمی و با کسب تجربه موفق دیگران بوده است. در این منطقه کشورهای حوزه یک تجربه ناموفقی بنام اکو را دارند که بصورت احساسی و بدون رعایت قوانین

و مقررات و چارچوبهای علمی همگرایی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفت و بعد از حدود ۲۰ سال نه تنها هیچگونه دستاوردی برای کشورهای عضو نداشته بلکه حتی بعد از گذشت این مدت طولانی بعضی از کشورها از ادامه ویزا به شهروندان یکدیگر کوتاهی می کنند.

لذا بدون عمیق شدن در وضعیت نابسامان فعلی منطقه و وجود اختلاف نظرها بایستی قدمهای محکمی در این زمینه برداشته شود زیرا که در دیگر مناطق جهان و از جمله اروپا این اختلاف نظرها بیشتر از این منطقه بوده است. این نکته قابل اشاره است که اصلاً همگرایی ها بدین دلیل صورت گرفته که اختلافات کاهش یافته، وجوه مشترک تقویت شده و با اولویت همکاریهای اقتصادی، و سپس فرهنگی و امنیتی کشورهای یک منطقه بسمت توسعه حرکت کنند.

در این طرح ممکن است این سؤال پیش آید که چرا کشورهای عرب جنوبی خلیج فارس مدنظر قرار نگرفته شده که در پاسخ باید گفت این کشورها بخاطر اختلاف نظر عمیقشان با دیگران شکل گیری اتحادیه را مشکل مینمایند. هرچند که هدف این اتحادیه رقابت با آنها نیست و در دراز مدت در صورت موفقیت و ایجاد ثبات در منطقه و با پذیرش فصول می توانند بتدریج به عضویت درآیند.

منابع

۱. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۳) نقش سازمانهای منطقه ای در پایداری امنیت کشورهای عضو. تهران ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی سال نوزدهم شماره ۵۶
۲. امید علی (۱۳۸۸) منطقه گرایی در آسیا: نگاهی به سازمانهای آسه آن، سارک و اکو (چاپ اول) تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
۳. امید علی (۱۳۸۸) عملکرد ۴۲ ساله آسه آن و نقشه راه تا سال ۲۰۲۰، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و سوم شماره سوم
۴. امید علی (۱۳۸۵)، تاثیر ژئوپلیتیک در رخوت همگرایی اکو و بالندگی آسه آن، تهران فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم شماره اول بهار ۱۲۸
۵. حافظ نیا محمد رضا و مراد کاویانی راد (۱۳۸۳) افق های جدید در جغرافیای سیاسی، تهران انتشارات سمت
۶. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹) تحول نظریه های منازعه و همکاری در روابط بین الملل
۷. فرجی راد عبدالرضا، سخنرانی در واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۸۸)
۸. فرجی راد عبدالرضا، سخنرانی در واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۸۸)
۹. فرجی راد عبدالرضا، سخنرانی در مرکز مطالعات دفاعی - امنیتی (۱۳۹۳)
۱۰. کاظمی سیدعلی اصغر (۱۳۷۰)، نظریه همگرایی در روابط بین الملل (تجربه جهان سوم) انتشارات قوس

۱۱. کریمی محمود(۱۳۸۹)، کارکرد گرایی در روابط بین الملل، روزنامه رسالت شماره ۶۹۹۴، ۵ خرداد

۱۲. شیرزاده حمیرا(۱۳۸۹)، تحول در نظریه های روابط بین الملل، چاپ پنجم تهران انتشارات سمت

۱۳. واعظی محمود(۱۳۸۷) رویکرد اتحادیه اروپا به خاورمیانه، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهشهای سیاست خارجی، انتشارات سیاست خارجی قدرتهای بزرگ و اصلاحات در خاورمیانه، شماره ۱۴

۱۴. واعظی محمود(۱۳۸۶)، الگوی آسیایی امنیت انرژی، مسیری برای همکاری نشریه راهبرد، مرکز تحقیقات استراتژیک شماره ۴۳